

زن و کیفیت حضور او در اجتماع از منظر قرآن

فاطمه سلطانی

چکیده

کیفیت اجتماعی زنان در جوامع مختلف و براساس نگرش‌ها و دیدگاه‌های هریک از جوامع متفاوت است؛ اما به طور کلی تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل و ویژگی‌های متقابل و همچنین شرایط ویژه هر جامعه است.

کلیدواژه‌ها: زن، اجتماع، قرآن

عوامل موثر در حضور زن در اجتماع

۱) ویژگی های فرهنگی -ارزشی زنان دربرگیرنده متغیرهایی است که در رفتار مشارکت اجتماعی تأثیر می گذارند. این ویژگی ها عبارت اند از: نظم گرایی، جمع گرایی و میل به کار گروهی، نوپذیری، تقدیرگرایی و عدالت جویی. باور به ضرورت تلاش برای رفع تبعیض بین زنان و مردان در جامعه، باور به وجود نیروهای خارج از اراده فردی در تعیین امور و برنامه های زندگی

ب. ویژگیهای خانوادگی زن که در تمایلات وی به حضور اجتماعی و رفتار مشارکت اجتماعی اثرگذارند؛ این ویژگی ها شامل پایگاه اجتماعی -اقتصادی خانواده، میزان پابندی خانواده به سنت ها، نقش زن در تصمیم گیری ها، بعد خانواده (تعداد فرزندان) و میزان انسجام خانوادگی است.

ج. ویژگیهای جمعیتی، اجتماعی و اقتصادی زنان، نظیر سن، پایگاه اجتماعی -اقتصادی، وضعیت تأهل، مدت اقامت در شهر، سابقه مشارکت و میزان استفاده آن ها از رسانه ها. این گروه از عوامل متغیرهایی هستند که به طور گسترده ای تعیین کننده فرصت های رسیدن زن به موفقیت و رضامندی در زندگی اند. همچنین، بر استفاده بهینه زنان از فرصت ها و وسائل نهادینه شده برای نیل به هدف های فرهنگی و انطباق با قواعد رفتار اجتماعی اثر گذارند.

د. ویژگیهای گرایشی -انگیزی زنان که شامل رقابت جویی، از خودبیگانگی، خوداثربخشی و نیاز به پیشرفت است.

ه. تمایل زنان به مشارکت اجتماعی که بر تمایلات اولیه و آمادگی روانی آن ها برای عمل واقعی مشارکت -شرکت در فرایندهای اجتماعی مانند علاقه مشارکت در امور سیاسی نظیر شرکت در راهپیمایی ها و انتخابات و علاقه مشارکت محیطی، نظیر پاکسازی محیط، فعالیت های خیریه و حفظ محیط زیست -دلالت دارد

2-2. زمینه ها و شرایط مؤثر

گونه های جدید و مدرن مشارکت اجتماعی برای زنان را می توان به شرح زیر توضیح داد که در آن ها شرایطی که منجر می شود زنان مشارکت نمایند و یا اینکه از مشارکت محروم گردند، تشریح شده است:

الف. حضور فرهنگی : حضور فعالانه و مؤثر همه مردم به ویژه زنان در امور فرهنگی از سابقه چشمگیری برخوردار نیست و تلاش های مشارکت جویانه و برابری جویانه فرهنگی چند دهه ای است که به عنوان یک موضوع جدی وارد روابط اجتماعی شده است. البته نوع مشارکت فرهنگی بسته به آداب و رسوم، سنت ها، دین و ایدئولوژی کشورهای مختلف، متفاوت است. اما در ایران با توجه به مذهبی بودن کشور، مشارکت زنان در عرصه های مختلف فرهنگی به ویژه مشارکت در هیئات مذهبی، مناسبت های دینی و امور خیریه از رونق خوبی برخوردار است.

ب. مشارکت اقتصادی : شرکت فعالانه زنان در فعالیت های اقتصادی، از تقاضای روبه رشد این قشر عظیم جوامع بشری است، اگرچه این تقاضاها همواره با چالش های جدی برنامه ریزی و خود زنان نیز مواجه بوده است. به طور کلی اشتغال زنان عمدتاً در مشاغلی است که تناسب بیشتری با شرکت و جایگاه زنان دارد؛ به عبارت دیگر، انتخاب مشاغل در هر جامعه ای برخاسته از فرهنگ حاکم بر آن جامعه است.

در جمهوری اسلامی ایران، روند فزاینده تقاضای زنان برای تحصیلات متوسطه و عالی، زمینه را برای ورود آن ها در مشاغل متعدد اقتصادی فراهم کرده و همین موضوع وضعیت مشارکت اجتماعی زنان را در معرض تحول و دگرگونی جدی قرار داده است؛ زیرا ضمن اینکه مشارکت اقتصادی خود نمادی از مشارکت اجتماعی است. اساساً داشتن شغل به عنوان یک متغیر مهم و اثرگذار بر روی میزان و نحوه مشارکت اجتماعی

زنان است.

ج. مشارکت سیاسی : یکی از ابعاد مشارکت اجتماعی زنان، مشارکت سیاسی است که در تعریف عبارت است از هر عمل داوطلبانه موفق یا ناموفق سازمان یافته یا بدون سازمان، دوره ای یا مستمر برای تأثیر نهادن بر انتخاب سیاست های عمومی، اداره امور عمومی، انتخاب رهبران سیاسی در هر سطحی از حکومت محلی یا ملی است.

البته لازمه مشارکت سیاسی فعال، طی کردن فرایند جامعه پذیری مناسب و مطلوب است؛ زیرا هرگونه مشارکتی، نوعی تربیت خاص را می طلبد که فرد بتواند در آن زمینه از خود واکنش نشان دهد.

در تعریف، جامعه پذیری سیاسی، فرایند مستمر یادگیری است که به موجب آن افراد ضمن آشنا شدن با نظام سیاسی از طریق کسب اطلاعات و تجربیات به وظایف، حقوق و نقش های خویش

در جامعه پی می برند. در این فرایند ارزش ها، ایستارها، نهادها، اعتقادات و آداب و رسوم از نسلی به نسل دیگر انتقال می یابد و امکان دارد در جریان این انتقال، تغییرات و یا تعدیل هایی نیز صورت پذیرد. (قوام، 1371، ص 74)

بنابراین، در فرایند جامعه پذیری سیاسی که در اثر یادگیری ایجاد می شود، از عوامل مختلفی نظیر خانواده، گروه های مختلف همسالان، همکاران، گروه های مرجع مانند احزاب و بعضی نهادهای سیاسی و رسانه های گروهی و آموزش و پرورش می توان یاد کرد. بنابراین، نقش خانواده در این فرایند خیلی مهم است؛ زیرا دختران و پسران در خانواده ها به صورت غیررسمی با توجه به رفتار والدین خود، وظایف، حقوق

و نقش های خود را فرامی گیرند. علاوه براین، در گرایشات و موضع گیری های سیاسی افراد تأثیر گروه های مرجع و احزاب نیز تعیین کننده است.

3. چارچوب تاریخی

برای آشنایی با جایگاه زنان در شرایط حاضر، باید جایگاه آن ها در روند تاریخی بررسی شود. اساساً در طول تاریخ به ویژه در گذشته های دور، نگاه به زن به عنوان یک موجود ضعیف و درجه دو بوده است، به طوری که زن در زمان اوج پیشرفت ملت یونان، از نظر اخلاقی و حقوق و رفتار اجتماعی در نهایت بدبختی و تیره روزی به سر می برد (قطب، بی تا، ص. 12) ارسطو در خصوص جایگاه زنان این گونه ادعا می کند:

زن و بنده بر اساس طبیعت خود محکوم به اسارت بوده سزاوار شرکت در کارهای). «دورانت، 1374، ص (80 عمومی نیستند زن در یونان باستان نه تنها مخلوقی حقیر شمرده می شد بلکه دست کم به عنوان

انسان با زن رفتار نمی شد. زن همانند شیء در اختیار مرد بود و مرد هرگونه رفتاری را با او انجام می داد و زن در این دوره از هیچ حقوقی برخوردار نبود، در نتیجه، از فعالیت اقتصادی و اشتغال نیز محروم بود) عبدالحمید محمد، 1411 ق، ص. (19 تنها موردی که برای فعالیت اقتصادی و اشتغال زنان در تاریخ یونان باستان ذکر شده، مربوط به حضور زنان برای فعالیت اقتصادی و اشتغال در بازار بوده است. تحول جدی در رویکرد موجود نسبت به نقش و جایگاه زنان، با ظهور اسلام به ویژه در قرآن و سنت پیامبر اکرم(ص) صورت گرفت که جایگاه و نقش جدی به زن

در خانواده داده شد و وضعیت حقوقی وی به عنوان یک عضو خانواده و دارای شخصیت حقوقی در جامعه تثبیت شد و خیلی از ظلم ها و تضییقات قبلی که در حق او روا داشته می شد، تضعیف گردید.

به واقع، با ظهور اسلام کرامت انسانی زن احیا شد و زن در کنار مرد به عنوان نیمی از پیکره حیات بشری مطرح گردید. اسلام دخترکشی را ممنوع کرد و به جامعه آموخت که به دختران احترام بگذارند. زن های صدر اسلام در امور اجتماعی، سیاسی و (20 قرآن کریم - فرهنگی و کارهای دیگر مشارکت داشتند .

مردان از آنچه کسب کرد هاند، بهره است و برای زنان از آنچه کسب کرد هاند، بهره های است. اشتغال زنان در عصر پیامبر ص به شکلی گسترده دیده می شد و در تمامی شغل های رایج آن زمان، زنان حضور داشتند. زنان در این دوره به مشاغلی از قبیل پزشکی، تجارت و صنایع دستی اشتغال داشتند) مهریزی، 1378 ، ص (58 ؛ برای مثال زینت، دختر جحش، به صنایع دستی اشتغال داشت) ابن اثیر، ج 5، ص 620 (زنی به نام زینت پزشک قبیله ابن داوود بود و مریضان را مداوا می کرد. زنان بسیاری به امر شبانی و دامداری اشتغال داشتند؛ مانند سلامه و امرهانی و زانی چون قیله، مادر بنی نمار، به تجارت اشتغال داشتند(ابن اثیر، ص 477)

در رویه عملکردی، آنچه از موقعیت اجتماعی زنان بعد از ورود اسلام به ایران وجود داشته، این است که با توجه به تفاوت ها در وضع عمومی زنان در مناطق مرکزی شمالی و جنوبی ایران، اختلاف هایی برحسب موقعیت محل، عرف و عادات و سنن محلی بین زنان ایرانی وجود داشته است، ولی به طور کلی در دوره سلسله های مختلف پادشاهی، زنان از جایگاه مناسبی برخوردار نبودند

نگرش جدیدی نسبت به زن، پس از انقلاب مشروطیت و نفوذ تمدن غرب در ایران صورت گرفت که بسیاری از آداب و سنن قدیم اجتماعی را دگرگون کرد و در مقام و موقعیت اجتماعی زنان آن هم در طبقه مشخص و معینی که عمدتاً در حاکمیت بودند و یا با قدرت سیاسی تعامل مثبت داشتند، به وجود آمد. در دوره پهلوی رژیم سعی داشت با ایجاد تغییراتی روبنایی در وضعیت اجتماعی ایران از جمله دگرگونی در ظاهر، لباس و چهره زن ایرانی، تصویری از ایران مدرن شده به جهانیان ارائه دهد.

استنباط می گردد. در واقع، قرآن به زنان این حق را داده است که با بهره گیری از توان اقتصادی، اندوخته های علمی، قدرت بدنی و مهارت های مدیریتی خود، تحول همه جانبه ای را در جامعه دنبال نمایند. قرآن کریم بدون تمایز قائل شدن بین زن و مرد در زمینه های مختلف به ویژه در عرصه حق تملک و تصرفات مالی، بیعت گرفتن، هجرت و جهاد، حضور در میدان جنگ و حضور در عرصه های مدیریتی و اجرایی و حتی شرکت در کار حکومت و داوری، ضمن رد ایده خانه نشینی زنان بر مشارکت فعال آن ها در عرصه اجتماعی با رعایت اصول دیگر تأکید می ورزد؛ برای نمونه، صرفاً به یک نمونه از این موارد، یعنی به رسمیت شناختن حق تملک و تصرف زنان مشابه مردان از نظر قرآن اشاره می گردد.

سخن اصلی و نخستین قرآن این است که زنان همانند مردان حق دارند که در مال خود آزادانه تصرف نمایند. البته اگر دختران به رشد عقلی نرسیده باشند یا زنان مبتلای به سفاهت گردند، امور مالی آنان از نگاه قرآن به قیم واگذار می شود که این گونه قیمومت در مورد پسران و مردان نیز مطرح است.

در این ارتباط، روایاتی که محدودیت زنان را در تصرفات مالی مطرح می کنند، به تعیین نظر به دختران خردسال، زنان سفیه و زنان شوهردار دارند که در مورد زنان شوهردار نیز مقصود این روایات، ناروا بودن تصرف در مال شوهران است یا آنکه در اصل از بایسته های اخلاقی سخن می گویند و امر در آن ها ارشادی است

به طور کلی، در نظر اسلام زن به اعتبار انسان بودن خود) که کاملاً با مرد مساوی است)، حق شرکت در تمام مشاغل آزاد و اداری، اعم از خدماتی، تولیدی، توزیعی، صادراتی، وارداتی، کشاورزی صنعتی، علمی، دانشگاهی و ... را دارد، ولی نظر به اینکه اسلام برای پیشگیری روابط ناسالم دو جنس مخالف و جاذبه های جنسی شدیدی که در میان آنان هست و می تواند منشأ زیان های بزرگ اجتماعی و خانوادگی شود، ورود زن را به کارهایی که سبب تماس مستقیم و مستمر با مردان می شود، تشویق نمی کند بلکه ترجیح می دهد که با ملایمت و نه اجبار، زنان را به کار در محیط های سالم تر تشویق نماید. باین همه، گاهی به سبب ضرورت های اجتماعی و نیاز به کار زنان، از لحاظ مذهبی، کار زنان در جامعه بر آن ها ضروری و واجب می شود و از این رو، امروز زنان مسلمان در بیشتر جوامع اسلامی از جمله در جمهوری اسلامی ایران، به سبب

اجازة اسلام، توانسته اند در همه گونه مشاغل سیاسی، اداری، قضایی، خدماتی، بازرگانی و ... وارد شوند و سهم مهمی در هر جامعه دارند. بجز چند مورد که تکلیف آن از دوش (زنان برداشته شده است) خامنه ای، 1381، ص 102

6-2 سیره نبوی

بررسی سیره نظری و عملی پیامبر اکرم(ص) (در خصوص دفاع از حقوق زنان و احترام به جایگاه و شخصیت آن ها، بهترین چراغ راه برای وضعیت فعلی است، حتی در مقایسه بین شرایط کنونی دفاع از حقوق زن با تحولات زمان پیامبر اکرم(ص) می توان مشابَهت هایی را یافت، به طوری که پیامبر(ص) هم با عقاید جاهلیت عربی درباره زن، و هم با فرهنگ وارداتی روم که در پرستش بت های مؤنث تجلی پیدامی کرد، مبارزه می کرد.

به طور کلی، خطوط اصلی دیدگاه های پیامبر اکرم(ص) (به طور خاص و دیدگاه های اسلام به طور عام در خصوص شخصیت و چگونگی حضور اجتماعی زنان را در قالب های زیر می توان بررسی کرد:

اول. همتا دانستن زن و مرد: برابری زن و مرد در انسانیت و در دستیابی به کمالات انسانی از اصول نگرش اسلام است که قرآن کریم پیامبر اسلام(ص) (و اهل بیت)ع (به تبیین آن پرداخته اند. آیاتی از قرآن کریم که یکسان به زن و مرد وعده بهشت می دهد و آنان را چون مردان در اقامه نماز، اعطای زکات، پذیرش سرپرستی خدا و رسول(ص) (و اصلاح جامعه اسلامی در قالب امر به معروف و نهی از منکر (72 و بر ایمان و تسلیم، صداقت، صبر، خشوع و عفت زن - مسئول می شمارد) توبه 71: و مرد ارزشی یکسان می گذارد) احزاب (34:، نشانگر یکسان نگرش اسلام است چنان که (آیات الهی که بر اذیت زنان مؤمن و افترا به آنان برمی آشوبد) نور 23:؛ احزاب:

58

پیامبر(ص) (را به استغفار برای زنان و مردان مؤمن فرا می خواند) محمد (19: و توبه آنان را قبول می کند) احزاب (73:، افزون بر آن، گفتار پیامبر(ص) (زنان را همتای مردان شمرده است (متقی هندی، 1405 ق، ح. 4531 در کنار سیره کرامتمندانه آن بزرگوار، حاکی از برابری زن و مرد در ارزشمندی است.

دوم. هجرت و جهاد زنان: از نظر رویه عملکردی پیامبر اکرم(ص) (زنان نیز می توانند مشابه مردان هجرت نمایند و در جنگ و جهاد شرکت کنند که خود دلیلی روشن بر مشارکت اجتماعی زنان است.

انس بن مالک می گوید: هرگاه پیامبر(ص) (آهنگ جنگی را می نمود، ام سلیم و جمعی از زنان انصار را به همراه می برد تا مسئولیت آب رسانی و درمان زخمی ها را بر عهده گیرند) ابی داوود،

دختر کعب، می گوید: «نسیبه». «ح 2531

در جنگ احد با مشک آب خود را به پیامبر(ص) (رساندم، آن حضرت(ص) « (را در جمع اصحاب یافتم و قدرت و پیروزی از آن مسلمانان بود، هنگام شکست مسلمانان، به پیامبر(ص) (پیوستم و به طور مستقیم وارد جنگ شدم، ابن هشام، « (به قصد دفاع از پیامبر(ص) (شمشیر _____ می زدم و تیراندازی می کردم) ج 3، ص 91

است با الهام گیری از امضای حضور زن در جنگ « ام عماره « نسیبه که کنیه اش ، «مسيلمه «نیز وارد جنگ شد و پس از کشته شدن « یمامه « توسط پیامبر(ص) (در جنگ، در حالی به مدینه بازگشت که دوازده زخم شمشیر و نیزه بر تن داشت) ابن هشام، ج -79. 2. صص 71

ج. توجه به ارزش دختران و تشویق به پرورش و حمایت از آنان: شیوه پیامبر(ص) (آن بود که از یک سو، به ارزش و جایگاه ویژه دختران در زندگی توجه دهد و به تأثیر آنان به عنوان مونس، اهل مدارا و نیکی، با خیر و برکت، اهل پاکیزگی و سبب طراوت زندگی اشاره کند) الحر العاملی، 1368، ح 27306 و (27314 و از سوی دیگر، با بیان رزاقیت خداوند، احساس سنگینی در نگهداری آنان را برطرف نمود.

ضمن آنکه ضد سنت دخترکشی سنگدلانه بشورد و اکرام زنان و دختران را در قالب عباراتی که بهترین مردم را خیرخواه ترین آنان در حق زنان می داند، اهانت به زنان را نشانی از پستی بشمارد و بر حمایت از دختران و زنان، بهشت را پاداش قرار می دهد و (1728)، 1520، آن را وجهه همت مردان قرار دهد) نهج الفصاحه، ح 1477

د. بیعت با زنان: پیامبر اکرم(ص) (در چند نوبت از زنان بیعت گرفته است. در که قبل از هجرت انجام گرفت، سه زن حضور داشتند. در فتح مکه نیز « عقبه « بیعت قرآن کریم، پیامبر اکرم(ص) (را به گرفتن بیعت از زنان) در صورت تمایل آنان) (فراخوانده است) ممتحنه 10 :

ه. توجه به شخصیت دهی ویژه: سخنان گهربار پیامبر اکرم(ص) در توصیف شخصیت زنان تاریخ ساز از جمله فاطمه(س)، آسیه(س) (و مریم کبری(س) (مجلسی، 1368، ج 4، ص 162، ح 4)، به ویژه در مورد فاطمه(س) در قالب بیاناتی که رضایت و خشم خداوند را به رضایت و خشم فاطمه پیوند می دهد و نیز مریم(س) (که به همراه آموزه قرآنی، او را زنی کامل، دارای عصمت و هم سخن با فرشتگان خداوند دانسته (47، نشانگر آن است که زن می تواند تمامی حجاب ها را درنوردد - است) آل عمران 42: و به قله کمالات رسد. انتخاب فاطمه(س) (به منظور مباحثه) آل عمران (61): با وجود حضور مدعیان و در نظر گرفتن وی به عنصری محوری در میان اصحاب کسا که آیه تطهیر در شأن آنان فرود آمد) احزاب (33: نیز به بهترین شکل نمایانگر جایگاه زن در اندیشه اسلامی است.

و. پرورش عملی زنان: بهترین شاهی که بر کارآمدی برنامه هر مکتب می توان ارائه داد، بررسی ابعاد شخصیتی کسانی است که بر اساس آموزه آن پرورش یافته اند.

بررسی زندگی فاطمه(س)، از دوران کودکی و نوجوانی در حمایت از پیامبر اکرم(ص) در مقابل مشرکان و حضور در صحنه جنگ برای پشتیبانی از رزمندگان تا زمان جوانی و ورود یک تنه در عرصه مبارزه با مفاسد سیاسی و انتخاب مشی مبارزه منفی به منظور نشان دادن مظلومیت اهل بیت(ع) (تا پایان تاریخ، توجه به حفظ معارف و علوم دینی، تا آنجا که آن را معادل حفظ جان دو فرزند عزیزش می شمرد، همه بیانگر آن است که یک زن به گونه ای تربیت یافته است که می تواند به دگرگون ساختن تاریخ بیندیشد.

چنین تربیتی را در بانوان ممتاز چون خدیجه(س) (که توانمندی اقتصادی خود را در توسعه دین جدید به خدمت گرفت، در زینب کبری(س) (نیز می یابیم. این تحولات سبب شد که در طول سده پس از ظهور اسلام صدها زن راوی حدیث، فقیه، عارف، متکلم، ادیب، معلم و انسان ساز به صحنه آیند.

7. آسیب شناسی حضور اجتماعی زنان

7-1 آسیب پذیری خانواده

اساساً مشارکت و حضور زنان در امور اجتماعی امری بدیهی و ضروری است، اما الگو و رویکرد این حضور جای بحث است. در قالب الگوهای غربی که از پشتوانه فرهنگی -تاریخی قوی برخوردار نیست، وضعیت خانواده بسیار اسف بار شده است، به طوری که دگرگونی در نقش زنان تأثیر

گسترده ای بر خانواده گذاشته است. اکنون نسلی از کودکان آمریکایی توسط مادران شاغل تربیت و بزرگ می شوند که از ابتدای کودکی آنان را به مراکز نگهداری و مراقبت می سپارند و این امر با این مقیاس در آمریکا بی سابقه بوده است. علاوه براین، استقلال تازه زنان این امکان را برای آنان به وجود آورده است که در فکر رها کردن ازدواج های ناموفق یا بزرگ کردن فرزندان با هزینه خود باشند. نتیجه این امر تا حدی افزایش سریع طلاق ها، فرزندان زنان ازدواج نکرده و گسترش خانواده های تحت سرپرستی زنان بوده است. در حال حاضر از هر دو زن ازدواج کرده یکی طلاق می گیرد و از هر پنج زن دارای فرزند، یکی به صورت مجرد زندگی می کند، باین همه، بسیاری از این گونه زنان خود را بسیار آسیب پذیر می دانند؛ زنانه « زیرا یکی از اثرهای غیرمستقیم و عمدتاً پیش بینی نشده، تمایل زنان به استقلال از بوده است؛ چنان که از هر چهار زن طلاق گرفته یا جداشده یکی تحت « شدن فقر پوشش برنامه های حمایتی قرار دارد و از هر سه خانواده تحت سرپرستی زنان، یک خانواده دچار فقر است. روی هم رفته 57 درصد فقیران را زنان تشکیل می دهند

(رابرتسون، 1372، ص. 269) بنابراین، بر مبنای الگوی غربی، وضعیت خانواده ها به علت افراط در اشتغال زنان و به کارگیری گسترده آنان در امور اقتصادی، رو به اضمحلال رفته و به تبع، نمی تواند الگوی مناسبی باشد_____.